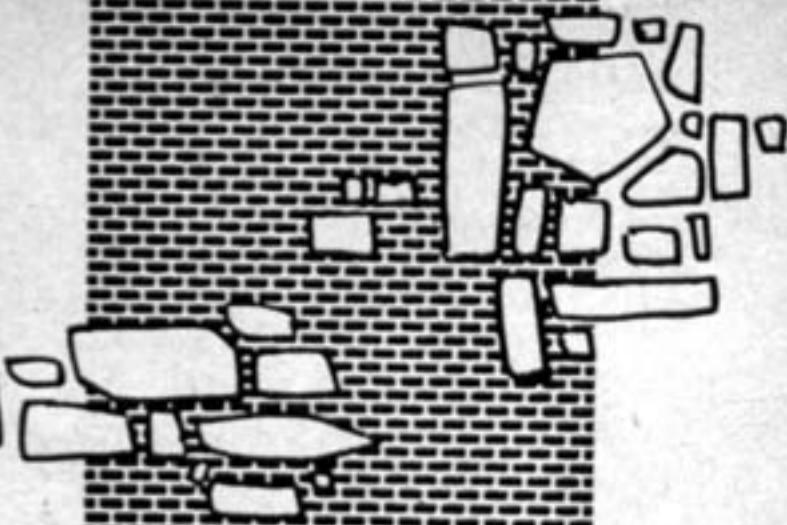


ساختمان مسکن

معماری و معماری



از :

ع. ماشمی حائری

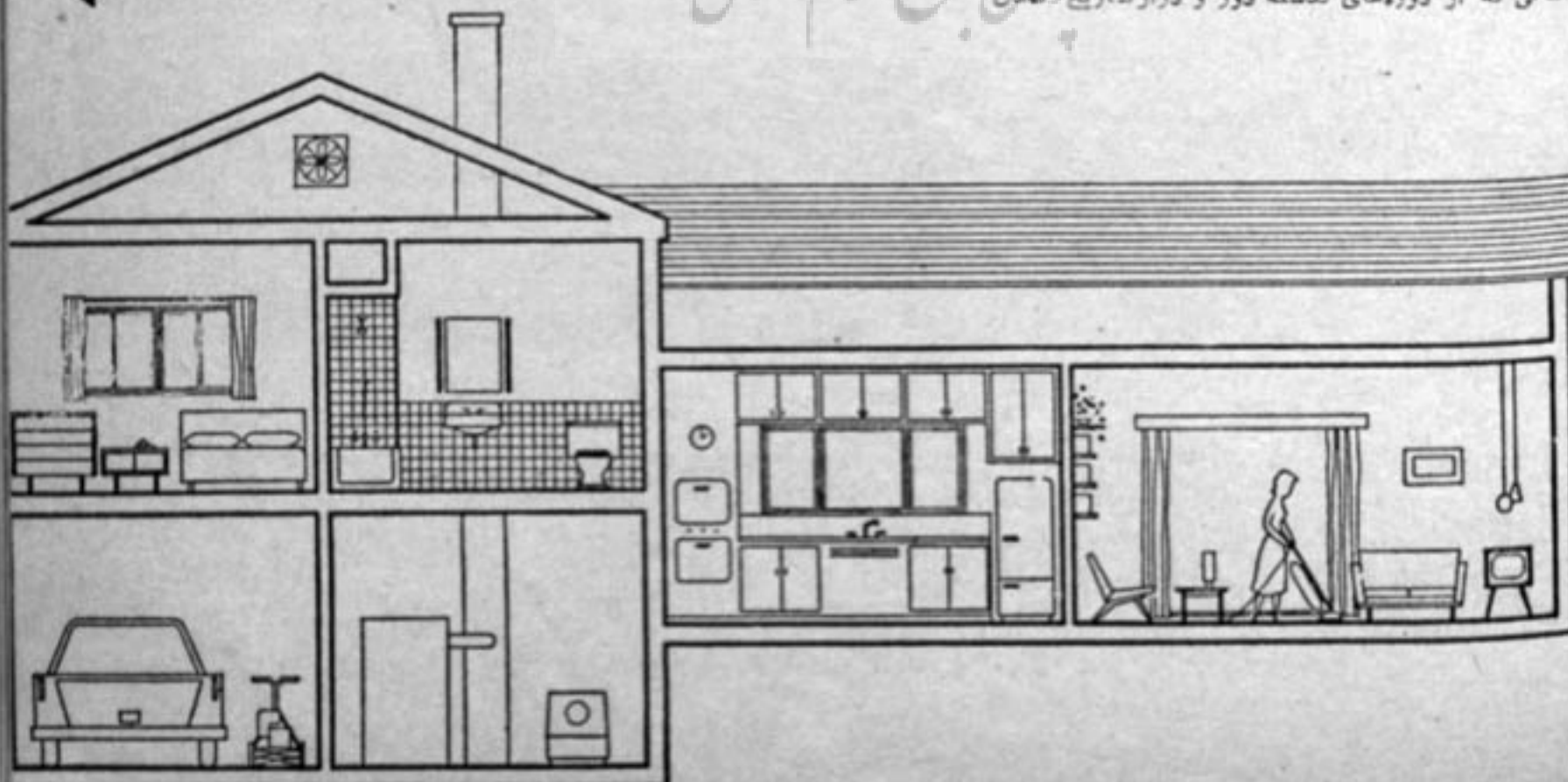
● تقلید کور کورانه از تمدن فرنگی در نهضت بنا و ساختمان هم رخنه کرده است

● نقشه‌های ساختمانی پایتخت یکنواخت است و تنوعی ندارد

● محسنات بنای فرنگی باید مدو بخش ذوق سرشار ایرانی در ساختمان بناها گردد

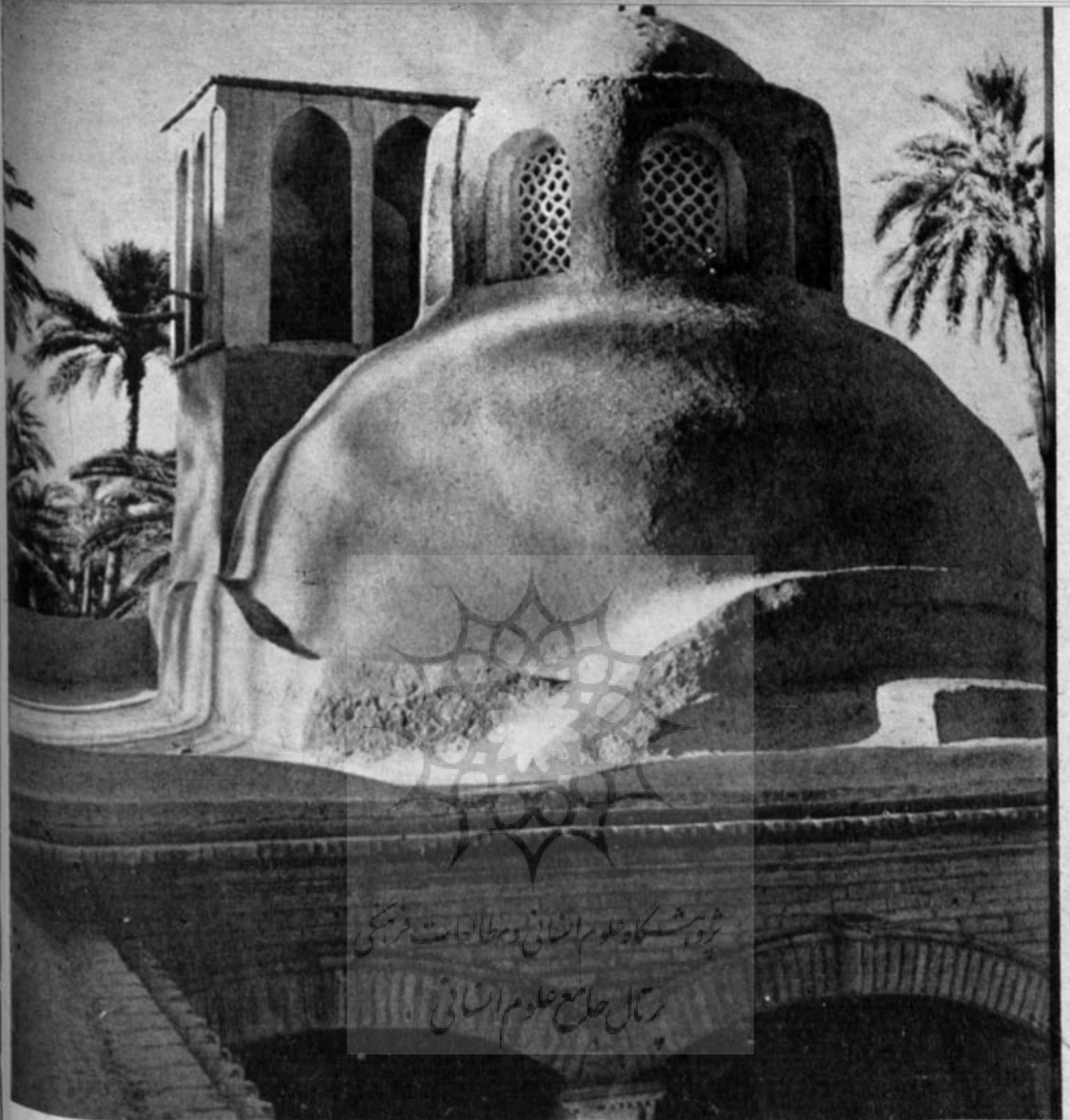
انسان در شرق و غرب و سایر نقاط جهان باقومانده است و با باحفریات علمی از زیر هزاران خروار خاک بیرون آورده شده و میشود برای بیان سرگذشت و زندگی بر اجرای بناکان ما و ملل متمدن باستانی دیگر، کویاتر و فصیحتر از نوشته‌های مورخین و وقایع نگاران قدیمی است. در بناهای قدیمی از روی هندسه بنا و زیبایی آن قواعد و مقیاسهای

در بین صنایع هنری یا صنایع مستظرفه، معماری و ساختمان بنا نوعی معماری علوم و فنون ادبی شمرده میشود. سابقه تاریخی هنر ساختمان و آنکه شاید سه یا چهار هزار سال پیش از میلاد منتهی شود. شاید پیش از مدون کردن هندسه بنا و فن ساختمان را میدانسته است. بمقیده بعضی از محققین، بناها و ساختمانهای باستانی که از دوره‌های گذشته دور و دراز تاریخ تمدن



خانه‌های امروزی کوچک و جمع و جور ساخته میشود تا نظافت و مراقبت آنها آسان تر باشد.

وسایل مدرن عصر ما تغییراتی در ساختمان خانه ایجاد میکند و در نتیجه کوچک شدن خانه‌ها و وقت رسیدگی به آنها صرفی نگاهداری کمبودگان میشود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

این بنا یکی از خانه‌های مسکونی در طبرستان است و باخشت و گل ساخته شده و با همین حنارت بر بسیاری از بناهای یقواره جدید ترجیح دارد زیرا با احتیاجات طبیعی و محیط زندگی ساکنین خود موافق تر است

معتبر و محل اعتماد برای ارزیابی درجه تمدن و فرهنگ هر قومی بدست داده میشود.

بنظر چنین مویسد همانطور که شعر و موسیقی آینه‌ای را مانند که روح و عواطف و افکار و تخیلات قومی را منعکس میسازد، به‌عینین بناها و ساختمانها نیز حکایت از : اولاً احتیاجات اقلیمی یا محیط طبیعی و ثانیاً فکر خلافت و هوش و قریحه بانها و سوم و اخیراً معیاری از مجذوبیت و معتون بودن انسان بزیبائی و جمال صورت مینماید .

انسان از نظر حیات حیوانی، امتیازی بسایر حیوانات ندارد. انسان با آثار عقلی و فکری و عاطفی و روحی خود امتیاز پیدا کرده است. و هرچه از مدارج ترقی بالا و بالاتر رفته است تفنن او در زندگی بیشتر شده است .

علوم و فنون طباشی و خراطی در خوراک و پوشاک و فن تزیین و آرایش و تمام متفرعات و شعب مختلفی آن، مجموعاً مظهر نمایان تفنن بشر متتمدن است .

لازم بتوضیح نمودیم که هر یک از این موضوعات، تمام بشر متتمدن را شبوروز بخود مشغول کرده است. مسکن و خانه و بنا و ساختمان نیز، بیرون از این مسیر زندگی مترقیانه نبوده است. چیزی که هست بنا و ساختمان هم مثل خوراک یا پوشاک در مرحله اول بنا با احتیاج محیط طبیعی و مقتضیات آن و در مراحل بعدی بنا بر ذوق و جمال پرستی، یا به عبارت دیگر، تفنن بوجود آمده است، و مراحل بعدی موضوعی است که ضمیرات ملی هر قومی را معلوم می‌نماید



پشت بام و حیاط از لوازم محیط زندگی مردم ایران میباشد. (تکس از يك بنای شهر خوی گرفته شده است)

دنیای قدیم برتر از سایرین بوده است، پس آنچه که از سایرین وارد بزندگی ملت ایران میشده، لامحاله تحت تاثیر قوت فرهنگ او قرار میگرفته و شکل ایرانی پیدا میکرده است. هر گاه این مطالب درست باشد، و تصور میکنم در موارد هدیده تاریخی هم درست است، در اینصورت در عصر حاضر ما باید تمدن و فرهنگ بسیار نیرومندی مواجه هستیم که دنیا را سخر خود میخواند و آن تمدن و فرهنگ غرب، بخصوص اروپای غربی است. هر گونه تقلید کور کورانه، ملیت و ملیت ملی را ضعیف میسازد. نویسنده

ملت ایران در دوره های مختلف تاریخ خود، با همه اقتباساتی که در برخورد با سایر ملل کرده است، ممیزات ملی خود را در اقتباساتی که میکرده حفظ مینموده است، بعدی که بسیاری از چیزها که مورد اقتباس و یا تقلید او قرار میگرفته چنان بهم تر کوب میکرده و فعل و انفعال در عناصر آن بوجود میآورده است که خود آن شوی مورد تقلید چیز تازه ای میشده است. این امر خود قدرت خلاقه ای لازم دارد و هر گاه بخواهیم شواهد و امثله بیاوریم دور از بحث خود می شویم. فقط ممکن است این مطلب قابل توجه باشد که چون تمدن و فرهنگ ایرانی در

پیشگامان گوناگون انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



وارد این مبحث نمیشود که تقلید کور کورانه از غربیان و آن هم از سیاحت آنها بیجه سرعتی گسترش می یابد و خدا عاقبتش را بخیر کند. ولیکن این تقلید کور کورانه در نهضت بنا و ساختمان هم رخنه و نفوذ کرده است و سرعت پیش میرود. در اینجا، در همین تهران همانطور که خوراک مثلا بیفتک یا ژامبو حتی در گرمای قلب الاسد «مد» شده است که بعضیها نوش جان میفرمایند، همینطور هم در ساختمان بناها، شیوه هایی معمول شده است که مثلا برای کشورهای اسکاتلندی یا نوری که نور آفتاب، در حکم اکسیر اعظم است، معمول می باشد. و همان طور که فرسائیدی یا نیروزی خود را نه محتاج بزیروزمین و نه هم پشت بام میداند، در اینجا هم در بنای مسکن، گوئی آقای مهندس فارغ التحصیل از فرضا دانشکده «آرشیتهک» وین، تشریف آورده اند باستکهلم و میخواهند نقشه ی بنا را مسکن بدهند.

این تقلید کور کورانه بهیچوجه نه از حیث شکل یا صورت و نه از حیث محتوی مسکن موافق با احتیاجات طبیعی و حفظ معیشت ملی نمی باشد. ما گاه اوقات آنقدر در ملیت دوستی تند میرویم که کلمات فارسی سره و دارای ریشه عربی را مدعی می شویم که چون اصالت آنها مشکوک است باید بدور افکنده شود، ولیکن در بنای مسکن و خانه و ساختمان هر چه فرنگیان درست کرده اند، در بسته بی چون و چرا می پذیریم!

صحبت در این نوشت که آهن و سیمان و شیشه و کتاب بولولا و حتی کاشی فرنگی، بکار برده نشود، هر چیز خوب را البته باید اقتباس کرد و تقلید نمود، اساسا علم و فن انحصاری نیست و مرز و حدود جغرافیائی نمی شناسد. ما نیازمند علوم و فنون غرب هستیم و باید هم از خرمن دانش آنها بعدا کثر ممکنه استفاد کنیم، ولیکن باین وجود خودمان هم برای خودمان شخصیت ملی داریم. ما ایرانیان در فن بنا و بنائی و معماری و ساختمان، آثار فکر و هوش و ذوق نیاکان مان از قلب هندوستان گرفته تادریای از پیشرفته است و همه جا: «آثار پدید است

صنادید عجم را! بنای تاج محل در هندوستان و مساجد و بناهایی که معماران تبریزی و اصفهانی در اروپای تر که به جای گذاشته و بر سر در آن بناها و ساختمانها با خطنستعلیق زیبا، سر گذشت قدرت فرهنگ ایرانی بگوش هوش جهانگردان شرق و غرب فرو خوانده میشود، دریغ است در این عصر و زمان که تحولی بزرگ و عظیم برای آبادانی ایران در سراسر کشور بوجود آمده است، با تقلید کور کورانه از بناها و ساختمانهای فرنگی، معیشت ملی مادر این فن عظیم و شگرف مستحیل گردد. شاید بنظر مبالغه آمیز آید هر گاه بگوئیم که یگانه عامل بزرگی که انسان توانسته است علیه مرگ نوع خود، یعنی بزرگترین و نیرومندترین دشمن زندگی بوجود آورد، فن ساختمان و علم آبادی و آباد کردن است که حتی وقتی زلزله هم بقاع زندگی انسان را «عالمها سافلها» میکند، باز هم بعد از گذشت قرون و اعصار همین که فشار از چهره همان خرابه ها بر طرف میشود، اسناد ناطق و فصحی بدون اعمال غرض مورثین در کتب از حیات نوع انسان در این سیاره خاکی و در دنیای خورشیدی ما بدست میدهند.

سازمان برنامه چه نقش عمده و موثری می تواند در این باره ایفا کند؟ سازمان برنامه با دستکام مجهز خود که قسمت اعظم آبادی ایران در عهده تشکیلات کونا کون آن قرار گرفته است و بنا با مر شاهنشاه و نظر معظم له باید بیست میلیون خانه در سراسر کشور ساخته شود و سکنی و خانه برای گنجایش حداقل چهل میلیون نفوس ایران تا بیست سال دیگر تسامین شود، چه نظری، مخصوصا از لحاظ حفظ اسلوب ملی و ایرانی در بناهای تازه ممکن است اتخاذ کند؟

ممکن است گفته شود این کار با وزارت فرهنگ و مؤسسه هنرهای زیباست، یا اینکار را باید از سازمان تهیه و تامین مسکن انتظار داشت، یا اینکار با شهرداریها و ادارات ساختمان نهر دریاها می باشد، همه ی این ایرادها میشود که بجای خود صحیح باشد ولیکن از لحاظ حفظ اسلوب و معیشت ملی که همه چه موسسات دولتی و وزارت خانه ها و شهرداریها و چه حتی افرادی که شخشا برای خود خانه می سازند، مسئولیت مشترک ملی داریم که بدان اهمیت بدویم. مخصوصا آقایان مهندسان نقشه کش و معماران تحصیل کرده که خیلی محل احترام نگارند می باشند و وجود آنها واقعا اسباب سرفرازی ملت ایرانست آنان که بحمد اله روز بروز هم بر تعدادشان افزوده میشود و هم کارشان رونق بیشتری پیدا می کند، مسئولیت ملی بزرگی بر عهده دارند که خصوصیات و معیشت ملی را در ساختمان بناها و مسکن در مدنظر بگیرند. قوه خلاقه هوش و فریجه فیاض آنان

در اینست که با حفظ تمام محسنات و خصوصیات در بناهای فرنگی همه آن را در بوته ذوق سرشار ایرانی ریخته، جمال و جلال ایرانی بدان می بخشند. این نقشه های ساختمانی يك نواخت که در اینجا و آنجا و همه جای اطراف پایتخت پخش میخورد، تنوعی چنانکه باید ندارد؛ هر گاه بدرون آنها نیز وارد شویم، محتویات آنها نیز از حیث رفع احتیاجات طبیعی موافق محیط زندگی در آنها جمع نیست، و خلاصه در حکم اشعاری است که خوش آهنگ ولی بی معنی و مهمل است و انتظار می رود، موضوع از جهاتی که مورد بحث واقع شده مورد توجه مقامات مربوط و مسئول قرار بگیرد و این نهضت مبارک و میمونی که برای آبادانی ایران نو در اثر رهبری حکیمانانه شاهنشاه معظم شروع شده است، جنبه های قوی ملی خود را به همراه داشته باشد.

فرشای از کاخ مستغان نمونه ای از ذوق پرورش هنرمندان ایران

